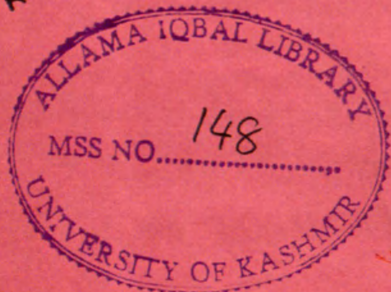
منہاج العارفین



بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بیحد و ثنای بیعد مر آفریدگاری را که سینهٔ عارفان مخزن اسرار جود ساخت و دل
محبان از غیر خود پاک بشست و درود و آفرین بر جان پاک و خلاصهٔ موجودات
خواجهٔ کاینات محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم بشیر نذیر که او را بملک الدرجة العالیه منفرد و
مخصوص است و بر همه یاران و پیروان او و بادا صلی الله علیه وسلم و علی آله
و صحبه اجمعین ای عزیز وفقک الله بما تحب و ترضی که این چند سخن از کلام اهل معرفت
جمع آورده شد و منهاج العارفین نام نهاده آمد تا مگر از خوانندگان و شنوندگان این
کسی را فایده باشد زنهار بغیر حق اعتماد مکن تا پشیمان نشوی و از حق غافل مباش
تا شیطان بر تو راه نیابد بهیچ چیز مغرور مشو تا هلاک نگردی دل را خلوتگاه حق
باید در کار حق باش تا کار تو ساخته گردد فرصت را فوت مکن تا حسرت زده نگردی
در کارهای دنیا اهتمام اندک کن تا فراغت یابی دل بکسی مستقیم مکن تا
زیان نکنی کسی را عیب مکن تا بعیب خود گرفتار نشوی در سختیها صبر کن تا فرج
یابی طمع از دل دور کن تا خوار نگردی نیکیها اندیش تا همه نیکیها پیش آید
از همه نومید مشو تا امیدت بر آید کار با خدای کن تا در حال خیر یابی غم دنیا مخور
تا دل تباه نشود راستی ورز تا برهی آزار کس مخواه تا امان یابی کینه
بر کسی منه تا در کینه نیفتی کسی را بحقارت منگر تا خوار نشوی از جهت دنیا اندوهگین
مباش تا پریشان نگردی قدر نعمت بشناس تا از تو باز نستانند از همه جدا

کنی تا بحق رسی غم فردا مخور تا امل کوتاه شود مرگ را یاد کن تا دل آباد
گردد قوت تن کن تا به بزرگی رسی در خود مبین تا مردود نگردی از
خلق عزلت گیر تا بحق انس یابی شکر حق بجا آر اگر نعمت دین و دنیا خواهی
ایمن مباش تا امان یابی با حق باش تا عیش جاودانه یابی خدمت بزرگان
کن تا به بزرگی رسی صبر پیشه گیر اگر عاقبت خواهی خود را بحق سپار تا
بی سامان نشوی چنگ در دامن صاحب دولتان زن اگر دولت خواهی آهسته رو
تا مانده نشوی خود را هیچ قدر منه تا با قدر گردی از صحبت اهل دنیا بپرهیز
تا تاریک دل نگردی در حق بپیچ تا از خجالت فانه نگردی قناعت پیشه کن
اگر توانگری خواهی همت بلند دار تا قیمت بیفزاید بر حرف کس انگشت منه
تا مواخذه نگردی اختیار گرسنگی کن تا راه یابی حریص مباش تا خوار نگردی فروتنی
از حق بین تا عزیز شوی کردار خود را قدر منه تا با قدر گردی دل کسی
تا زیان زده نشوی در گریه بیش اگر معرفت داری از همه مفلسی اگر محبت
میخواهی بردبار باش تا گنج یابی در بند چیزی مباش تا آزاده شوی بقصد
طلب تا بیابی حرمت نگاه دار تا محترم گردی خود را در میان مبین تا بمعرفت
خویش راه یابی تا عزیز گردی سودا پیشه گیر که در آن سود کنی خشم فرو خوردن
تا رفعت یابی مسکین باش تا مقبول شوی کاری کن تا عاقبت پشیمان نشوی
در عیب خود کوش اگر در کاری کار دیگران کن اگر بیکاری با همه نرمی کن

توقع از کس مکن تا عزت یابی

تا از حق

بزرگی

تا از دشمن برهی بر نعمت کس حسد مبر تا عافیت یابی با رحمت بخش تا
محتشم گردی بر زیردستان شفقت کن تا رحمت یابی مال کسی را طمع
مکن تا گرفتار نگردی در دریا فرو رو تا گوهر یابی تیر بیدار باید
اگر راستی میخواهی رهبر طلب اگر راه روی راه خرابه گیر اگر عاشقی
یک سودا کن تا سود کنی خود را مباش یا خود را باش اندیشه بهم زدل
دور کن تا پریشان نشوی خود پسند مباش تا پسندیده گردی خود را در رنج
دار تا راحت یابی گفته بشنو تا سود کنی خود را بسود اندک پسندیده گی
تا برکت یابی آهسته گوی تا شیطان بر تو ظفر نیابد دلها را دریاب تا
خشنودی حق یابی بدخوئی ترک ده تا عیش بر تو تلخ نگردد در معاملت
سخت مپیچ تا خسته نگردی با همه آشتی کن تا برهی دیگران را از خود بهتر
خوان تا از خود خلاصی یابی در سخن بگذار تا از دیگ دشمن نشوی تا
باشی اگر مرد راهی از خود طلب اگر جوانمردی حق را یار کن تا دل ویران
نشود درماندگان را دریاب تا در نمانی درگذر تا از تو درگذرند
از افتادگان بگذر تا نیفتی بر دنیا منگر تا کور نشوی هر جای مرد
تا تنگ نگردی حرص مبند اگر طالبی خلاف را ترک کن تا بسلامت مانی
از حکم سر متاب تا خجل نشوی افتادگان را دریاب تا دستگیر مانی با همه گی
منشین تا تباه نگردی ترک لذت گیر اگر لذت خواهی انصاف خلق ده

تا دستگیر یابد

تا ستمگار نشوی آن کار کن که حق پسندد آن پسندی که حق کند تا بمقصود رسی
با کسی مستیز تا از کینه برهی هر کس که با تو بدی کند با وی نیکی کن تا قدر تو بیفزاید مستیز
بیدار باش تا در خانه دزد نیاید بار چندان برگیر تا بمنزل رسانی با قافله
رو که رهزنان بسیارند همراه طلب که دشمنان همراهند سر برین ورنه پای
سر خود گیر پای سر بکش تا جنگ برنخیزد نیک کار پیش گیر تا تمام نشوی سر خط
فرمان بنه اگر منشی خود خوار مباش تا محروم نشوی دوستی آن به که آن برای
خدای بود خواجا از سر ذوق تا برخوری بار خود بر کسی منه تا عزیز مانی
بزرگی بر هیچ کس مکن تا خوار نگردی جان را دربازی اگر صادقی مال کسی را طمع مکن
تا گرفتار نگردی در دریا فرو رو تا گوهر یابی تیر بیدار نهد اگر آفتاب میخواهی
رهبر طلب اگر راه روی راه خوابه گیر اگر عاقلی نیک سودا کن تا سود کنی
خود را مباش یا خود را مکش اندیشه همه از دل دور کن تا پریشان نشوی
خود پسند مباش تا پسندیده گردی خود را در رنجه دار تا راحت یابی گفته نیکو
تا سود کنی خود را کم کن تا بجویند نیکو کش تا بیابی در عالم دین مشغول مشو
تا حسرت نخوری نفس را استوار که دروغ گوی است کف دل پاس دار که هرگز خلاف مزار
نگوید پناه حق گیر تا خلاصی یابی هیچ کس مگس بر عیب منت منه وقت را
شناس اگر مرادی نقد را باش اگر قلندری طمع از خلق بردار تا محتاج نگردی
نفس را پاس دار تا بجای بری هوای نفس را حذف کن اگر دلداری سر در

سر

سر در گریبان خود فرو بر تا عیب جای دیگری نشنوی قناعت دینار خرج دار مرو
تا زیان نکنی اختیار خود را اگر شه‌ای تا مختار نگردی سود کسی تا حق سود کن بود
با کم سندگان منشین مگر که کم نشوی پاس انفاس دار اگر بیداری دل کار را
دریاب اگر هشیاری قناعت خو به کن که حق خریدار کس بود حاجت خود را
جز حق مدار تا بر آید همه حاجت‌ها هم خطاب با ادب باش تا ورا یابد باد
چندان کس که خود را فراموش نکنی قدر خویش بشناس تا با قدر گردی کار الفت
بازنشسته کس تا زیان نکنی از حق شرم دار تا در کنه نیفتی از حق یاری خواه
تا نصرت یابی کار امروز بفردا حواله مکن تا حسرت در نمانی وقت کار دریاب
تا کار ترتیب نکو وعده هر چیز نگاه دار تا در فتنه نیفتی بیگانه را اندرون
۷ بهو خویشی مگذار اگر عزت داری تخم نیکی بکار اگر دشمن خلاصی یابد دل را مقید مکن
تا در نمانی نیک صحبت شو تا جمعیت یابی اندیشه‌های بسیار از دل دور کن تا
پریشان نشوی علم نادانه مخوان اگر تو دانایی خود را گنگ ساز تا گویا گردی
شب بیدار باش تا بوی محبت یابی با خود همه محنت گیر تا دانای نفس
تا بقرهای ... در کار دار تا وی ترا در کار دارد درد حاجات کن تا درمان یابی
دست از گدایی مدار اگر چه گنجها داری از عیب مردان چشم بپوش تا تا
عیب خود را من بینی رنج بادیه اختیار کن تا کعبه یابی یار نیکو یار باش

راز خود را با کس مکوی تا کنج یابد · زیان کس مپسندی اگر سود میخواهی
بیکس مباش تا بیکس نشوی · بخود مغرور مباش چو با حقی باشی تا زیان نکنی · با همه باش بد کس
چنین با حق باشی تا ره یابی · صحبت با نیکان کن اگر کار نیک میخواهی · بنجز
آزار کس تا در نمانی · از همه یکی نه نشو اگر به یگانه · با راهبر مرد تا ره گم نکنی
با بدخواهان نیک خو باش تا زبان زده نشوی · خاموش باش تا بری کار خود
پنهان دار تا تهمت نگیرد · آزار کس مخواه تا آزرده نشوی · با دوستان خدا
آشنایی کن تا عاقبت سود کنی · با هیچ جز وارد مکن اگر محبت داری · سود
زبان خود بند آنکه از ان خشت برینه دل رنجه دار اگر میتوانی تا راحت یابی
خود را جای منه تا بجای نرسی · قطره را خلد میکار اگر دریا · با گدایان نشین

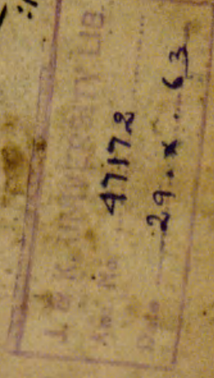
اکرم سلطانه تمت ارسال الفتوت
المنزفه منهاج العارفین والحمد لله
والسلام علی من اتبع الهدی

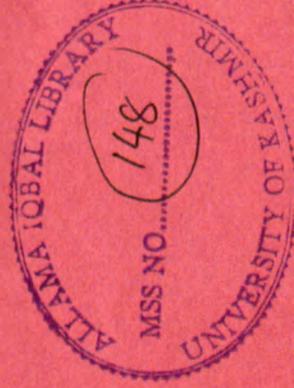
[illegible]

[illegible]

8

[illegible]





121

NATIONAL MISSION FOR MANUSCRIPTS
MANUS DATA

Record No.	Organization/Individual:
Name of the Institution: Allama Iqbal Library, University Campus Srinagar Personal Collection:	Communication Address: Allama Iqbal Library, University of Kashmir, Hazratbal, Srinagar
Title of the Text: Minhaj-ul-Aarifeen	Bundle No. .... Acc. No./Manuscript No. 47172
Other Title: Author: Mir ~~Syed~~ Syed Ali Hamadani	No. of Folios ..~~8~~ 6...... Pages ....8............
	Size of Mss.
Commentary:	Material: Paper/Palm leaf/birch bark/cloth/leather/other (Laminated)
Commentator:	Missing portion:
	Illustrations
Language: Persian	Complete/Incomplete
	Condition: Good/bad/brittle/worm eaten/fungus stuck
Script: ~~Persian~~ Nastaliq	Source of Catalogue: Descriptive/Hand list/Alphabetical/Index Card
Date of Manuscript	
	Colour of Manuscripts: Cream
Key words:	
	Remarks:
Subject:	